

تفسیر سورہ

انفطار

سیمای سوره انفطار

این سوره نوزده آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام آن برگرفته از آیه اول و به معنای شکافته شدن آسمان است. همچون دیگر سوره‌های مکی، محور این سوره، قیامت و حالات مردمان در آن هنگامه هولناک است. حوادث عظیمی که در پایان دوران جهان و در آستانه قیامت رخ می‌دهد، فرشتگانی که مأمور ثبت اعمال انسان‌ها در دنیا هستند، عاقبت نیکان و بدان و گوشه‌ای از مشکلات آن روز، بخش‌های مختلف این سوره را تشکیل می‌دهد.

برای تلاوت این سوره در نمازهای واجب و مستحب، فضیلت‌هایی وارده شده که بیانگر نیاز دائمی انسان به تذکر و توجه است تا از قیامت غفلت نکند و به دنیا دل نبندد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿۳﴾ وَإِذَا
الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿۴﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿۵﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا
قَدَّمْتَ وَأَخَّرْتَ

آنگاه که آسمان شکافته شود. و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند. و آنگاه
که دریاها گشوده و به هم راه یابند. و آنگاه که قبرها زیرو و گردد. هر
کس بداند، آنچه از پیش فرستاده و آنچه بر جای گذاشته است.

نکته‌ها:

- «انفطار» به معنای شکافته شدن است، «فطر» و «افطار» نیز به همین معناست، زیرا روزه با غذا خوردن می‌شکافد. «انفطار» و «انشقاق» به یک معناست، لکن در انفطار بعد از شکافتن به چیزی می‌رسیم، بر خلاف انشقاق، چنانکه عرب در حفر قنات می‌گوید: «فطرتُ» چون بعد از شکافتن زمین، به آب می‌رسد.
- «انتثار» به معنای پراکندگی است و به چیزی که بر سر عروس می‌ریزند، نثار گویند.
- «فجر» به معنای بروز شکاف و باز شدن راه است و «تفجیر»، بیانگر عظمت و شدت شکافته شدن کوههاست.
- در کلمه «بُعث» هم معنای «بعث» (به پا خواستن) است و هم معنای «ثور» (دگرگون شدن)، لذا راغب در مفردات گفته است که بعید نیست فعل «بُعث» مرکب از این دو فعل باشد، یعنی زیر و رو شدن خاک‌ها و برپاخواستن مردگان.

□ پیوند میان آسمان و زمین و دریا و خشکی به گونه‌ای است که هرگاه نظام یکی از آنها به هم بخورد، نظام همه چیز به هم می‌خورد.

پیام‌ها:

- ۱- نظام حاکم بر آسمان و زمین به دست خداست و هرگاه او بخواهد تغییر می‌کند. ﴿اِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾
- ۲- معاد جسمانی است و مردگان از قبر برمی‌خیزند. ﴿اِذَا الْقُبُورُ بُعْثَتْ﴾
- ۳- به هم ریختن نظام هستی، مقدمه رستاخیز و رستاخیز، برای حساب و کتاب و جزای اعمال انسان‌هاست. ﴿عَلِمْتَ نَفْسَ مَا قَدَّمْتِ...﴾
- ۴- در قیامت ظرفیت انسان توسعه می‌یابد و همه کارهای گذشته را به یاد می‌آورد. ﴿عَلِمْتَ نَفْسَ مَا قَدَّمْتِ﴾
- ۵- انسان، هم باید به فکر گذشته خود باشد، تا اگر خلافتی کرده توبه کند و هم به فکر پس از مرگ خود باشد تا یادگار خوبی از خود بجای گذارد. ﴿مَا قَدَّمْتِ وَ اٰخِرَتِ﴾
- ۶- در قیامت، انسان هم به آنچه عمل کرده آگاه می‌شود و هم به آثار خوب یا بد اعمال خود. ﴿مَا قَدَّمْتِ وَ اٰخِرَتِ﴾
- ۷- در قیامت، انسان به کارهایی که می‌توانسته بکند و به تأخیر انداخته و انجام نداده پی می‌برد. ﴿عَلِمْتَ... مَا اٰخِرَتِ﴾

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿۷﴾ الَّذِي خَلَقَكَ
 فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿۸﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿۹﴾ كَلَّا بَلْ
 تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ ﴿۱۰﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۱﴾ كِرَامًا
 كَاتِبِينَ ﴿۱۲﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟ همان که تو را آفرید و (اندامت را) استوار ساخت و متعادل کرد. و به هر صورت که خواست، تو را ترکیب کرد. با این همه، (شما روز) جزا را دروغ می‌پندارید. در حالی که قطعاً بر شما نگهبانانی (از فرشتگان) گمارده شده‌اند. نویسندگانی بزرگوار، که به آنچه انجام می‌دهید آگاهند.

نکته‌ها:

- «سواك» به معنای استواری و استقامت و دوری از اعوجاج است، و «عدلك» بیانگر تعادل و توازن میان اعضا و جوارح انسان است.
- به عمل خود تکیه کنید نه بر کرم خداوند، انبیا از کرم خدا آگاه بودند اما اهل عمل بودند.
- خداوند کریم است: ﴿رَبِّكَ الْكَرِيمُ﴾ فرشتگان مأمور او کریم‌اند: ﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾ رسولان او کریم‌اند: ﴿رَسُولٌ كَرِيمٌ﴾^(۱) کتاب او کریم است: ﴿أَنَّهُ لَقْرآنٌ كَرِيمٌ﴾^(۲) و پاداش او کریمانه است. ﴿أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^(۳)
- خداوند کریم است؛ هم گناهان را می‌بخشد، هم عیب‌ها را می‌پوشاند و هم پاداش را چند برابر می‌دهد.

پیام‌ها:

- ۱- انسان، موجودی غافل و مغرور است و خود را از عواقب کار و قهر خدا در آمان می‌پندارد. ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ رَبُّكَ﴾
- ۲- چرا انسان با آن همه نیاز و ضعف، مغرور باشد؟ ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ﴾
- ۳- بدترین نوع کبر و غرور، آن است که در برابر پروردگار کریم و هستی بخش باشد. ﴿غَرَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمُ الَّذِي خَلَقَكَ﴾
- ۴- غرور و غفلت انسان، سوء استفاده از لطف و کرم و پرده‌پوشی خداست. ﴿مَا غَرَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمُ﴾

۱. حاقه، ۴۰.

۲. واقعه، ۷۷.

۳. یس، ۱۱.

- ۵- لطف و کرم خدا تنها نسبت به مؤمنین نیست، بلکه نسبت به همه انسان‌هاست. «یا ایها الانسان... برّک الکریم»
- ۶- غرور انسان، بیانگر غفلت او از نعمت‌های الهی و عظمت آفریدگار است. «ما غرّک برّک الکریم»
- ۷- درمان غرور، توجّه به الطاف کریمانه است. «الکریم... خلقک فسوّاک فعدلک»
- ۸- آفرینش، نشانه قدرت، «خلقک» تسویه، نشانه حکمت، «سوّاک» و اعتدال، دلیل علم او به تمام نیازهاست. «عدلک»
- ۹- آفرینش انسان و هماهنگی و تعادل میان اعضای او، جلوه‌ای از کرم خداوند است. «الکریم الّذی خلقک فسوّاک فعدلک»
- ۱۰- تنوّع شکل و قیافه انسان‌ها، براساس خواستِ حکیمانه خداوند است. «فی ایّ صورۃ ما شاء رغبک»
- ۱۱- برای شکستن غرور، باید نعمت‌های الهی را پی‌درپی گوشزد کرد. «خلقک، سوّاک، عدلک، رغبک»
- ۱۲- آنکه در دنیا تو را آفرید، در آخرت نیز تو را خلق می‌کند، پس تکذیب چرا؟ «کلاً بل تکذّبون بالّدین»
- ۱۳- کسی که به دنیا مغرور شود، آخرت را انکار می‌کند. «غرّک - تکذّبون»
- ۱۴- گرچه شما قیامت را منکر می‌شوید، ولی فرشتگان کار خود را انجام می‌دهند. «تکذّبون... انّ علیکم لحافظین»
- ۱۵- فرشتگان متعدّد، مسئول حفظ و حراست از انسان‌ها هستند. «لحافظین»
- ۱۶- فرشتگان، مسئول ثبت و ضبط کارهای انسانند. «کراماً کاتبین»
- ۱۷- فرشتگان مراقب، در ثبت اعمال برخورداردی کریمانه دارند. «کراماً کاتبین»
- ۱۸- فرشتگان هم متعدّدند، هم تیزبین و هم ریزبین. «یعلمون ما تفعّلون»
- ۱۹- توجّه به ثبت اعمال توسط فرشتگان معصوم، سبب حیا و تقوای انسان می‌شود. «یعلمون ما تفعّلون»

﴿۱۳﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿۱۴﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ
 ﴿۱۵﴾ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۶﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ
 ﴿۱۷﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۸﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ
 ﴿۱۹﴾ يَوْمَ لَا تَمَلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

بی شک، نیکان در ناز و نعمت بهشتی‌اند. و بی شک، بدکاران در آتشی
 شعله‌ور. که در روز جزا به آن وارد شوند و بسوزند. و لحظه‌ای، از آن
 غایب و جدا نشوند. تو چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ باز، چه دانی
 که روز جزا چه روزی است؟ روزی که هیچ کس برای هیچ کس اختیاری
 ندارد و در آن روز، فرمان تنها برای خداست.

نکته‌ها:

- «أبرار» جمع «بار» به معنای نیکوکار و «نعم» به معنای پر نعمت است.
- «فُجَّار» جمع «فاجر» به معنای شکافتن است، یعنی کسانی که پرده‌داری می‌کنند و هتاک
 هستند.
- «صَلَّى» ورود در قهر و عذاب است. «یصلونها یوم الدین» همان گونه که «صَلُّوا» ورود در
 رحمت و لطف است. «هُوَ الَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ»^(۱)
- در قیامت، همه امور به دست خداست و این به معنای نفی شفاعت نیست، چون شفاعت
 نیز از اموری است که خداوند فرمان داده است.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- در تربیت و تبلیغ، سرنوشت خوبان و بدان را مقایسه کنید. «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ -
 إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ»
- ۲- حتی پیامبر، به بسیاری از امور قیامت آگاه نیست. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ»

۲. تفسیر مجمع البیان.

۱. احزاب، ۴۳.

- ۳- مسائل قیامت را با عقل عادی نمی‌توان درک کرد، بلکه باید از طریق وحی بپذیریم. ﴿ما ادراك ما يوم الدين﴾
- ۴- مطالب مهم را باید تکرار کرد. ﴿ما ادراك - ثم ما ادراك﴾
- ۵- پیدایش قیامت برای جزا و کیفر عملکرد دنیوی ماست. ﴿يوم الدين﴾
- ۶- مجرمان برای همیشه در دوزخند. ﴿ما هم عنها بغائبين﴾
- ۷- قیامت روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان‌هاست. ﴿يوم لا تملك نفس لنفس شيئاً﴾
- ۸- قیامت، تجلی حاکمیت مطلقه خداوند است. ﴿والامر يومئذ لله﴾

«والحمد لله رب العالمين»